



بحثی درباره فیلم های آموزشی از منظر فناوری آموزشی

نگارش: احسان صباغی

<http://ehsansabbaghi.blogfa.com>

ehsan_sabbaghi@yahoo.com

به مرور زمان انجام می شد، تفاوت معنی داری بین آموزش حاصل از این و سایر و آموزش سنتی را نشان نداد. یکی از دلایل مهم این مسئله عدم توجه به ویژگی های روانشناسی و مراحل رشد مخاطب بود. در حقیقت می توان گفت که این فیلم ها به جای مخاطب برای دستگاه هایی که در مدارس بودند ساخته می شدند. بعد از جنگ جهانی دوم فعالیت های زیادی در جهت کارایی و اثر بخشی روش ها صورت گرفت، یکی از این دست آوردها استفاده وسیع از فیلم، تلویزیون همگانی و تلویزیون آموزشی در امر آموزش بود. اما پژوهش ها نشان داد نهضت آموزش جمعی موفقیت زیادی در رسیدن به اهداف کسب نکرد. این روش ها اکثراً به هدف های آموزشی محدودی دست می یافتند و برای دسترسی به اکثر هدف های شناختی مناسب نبودند، همچنین دانش آموزان را منفعل و غیر فعال بار می آوردند و حالت تعاملی مناسبی نیز نداشتند. شبکه های کابلی و تلویزیون آموزشی که در اوج پیشرفت مرحله آموزش جمعی به وجود آمدند امروزه تعطیل یا از دامنه فعالیت آن ها کاسته شده است و در مواردی به صورت تلویزیون مدار باز به فعالیت خود ادامه می دهند.

پس از اینکه پژوهشگران تعلیم و تربیت متوجه شدند هدف از تعلیم و تربیت ایجاد یادگیری در مخاطبان است و انتقال دانش یا پیام مسئله اصلی تعلیم و تربیت نیست، مخاطب در مرکز تعلیم و تربیت قرار گرفت و دید ابزاری کار کرد خود را به نسبت زیادی از دست داد.

در بستر همین دوران است که با توجه به اهمیت فیلم در سطح جهانی به عنوان یک رسانه آموزشی، اداره آموزش فعالیت های سمعی و بصری (دفتر آموزش سمعی و بصری) که در سال ۱۳۴۱ در وزارت فرهنگ و هنر سابق تشکیل شده بود، اقدام به برگزاری جشنواره فیلم های آموزشی کرد که پس از تشکیل وزارتخانه جدید التأسيس آموزش و پرورش برگزاری آن توسط این وزارتخانه ادامه پیدا کرد. در حال حاضر این جشنواره توسط دفتر تأمین رسانه های آموزشی (دفتر تکنولوژی

به نظر می رسد بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت، خانواده ها و جامعه فیلم سازی کشور اعتقاد دارند، فیلم آموزشی وسیله مناسبی برای آموزش (در کلاس درس، استفاده به صورت انفرادی یا از شبکه های تلویزیونی) در سطح کشور است. برای بررسی این اعتقاد، مناسب است از بستری که فیلم های آموزشی در آن مطرح و سیر تحولی خود را طی کرده است یعنی مباحث فناوری آموزشی آغاز کنیم. امروزه برای بسیاری از متخصصان و افرادی که با مباحث فناوری آموزشی درگیر هستند این مسئله مطرح است که فناوری آموزشی چیست؟ برای پاسخ به این سؤال شاید سیر تحول فناوری آموزشی ما را به جواب نزدیک کند.

یکی از پژوهشگرانی که تاریخچه و سیر تحول فناوری آموزشی را بررسی کرده است، پرفسور لویز التون است. او معتقد است فناوری آموزشی در طی مسیر توسعه خود از سه مرحله آموزش جمعی، آموزش انفرادی و آموزش گروهی عبور کرده است. التون مسیر تحول فناوری آموزشی را از نگاه ابزاری به آن تانگاه انسان گرایانه را مد نظر داشته است. هر چند در این تقسیم بندی به صورت مستقیم به فناوری آموزشی به عنوان یک فرآیند سیستمی که سال ها مورد توجه فناوران آموزشی بوده توجه زیادی نشده است اما به نظر می رسد برای آغاز بحث شروع مناسبی باشد.

در اولین مرحله یا مرحله آموزش جمعی، فناوری آموزشی با دیدی توده نگر، نگرین شده است. در این مرحله آموزش با هجوم وسایل ارتباطی همچون فیلم و تلویزیون در امر تعلیم و تربیت روبرو بوده است. در اوایل قرن بیستم به تدریج مدارس توسط پروژکتورهای نمایش فیلم که توسط کارخانه های سازنده وسایل ارتباط جمعی ساخته شده بودند انباشته شدند. هر چند این وسایل در ابتدای امر جهت نمایش فیلم در مدارس ساخته نشده بودند ولی مدارس بازار جدید و پر سودی را برای تولیدکنندگان این وسایل به ارمغان آوردند. در این سال ها اکثر کسانی که منابع نرم افزاری دستگاه ها را فراهم می آوردند تهیه کنندگان، فیلم سازان و هنرمندان بودند و اکثر کسانی که با این وسایل کار می کردند متخصصین فنی، مهندسين و تکنیسین ها بودند. می توان گفت در این مرحله فناوری آموزشی را مطابق با رسانه های حاصل از انقلاب مرتبط می دانستند که اصطلاحاً به آن ها، وسایل دیداری و شنیداری (یا سمعی و بصری) می گفتند و نقش آن ها را انتقال پیام یا انتقال دانش می دانستند. اما پژوهش هایی که



آموزشی سابق) وزارت آموزش و پرورش تحت عنوان جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی و تربیتی رشد با همان دیدگاه‌هایی که حاصل از نگاه به مرحله اول فناوری آموزشی بود به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

تغییر «دید ابزاری» به فناوری آموزشی

به طور کلی می‌توان گفت اساس تئوریک آموزش جمعی فناوری صنعتی بود، همچنین در روش تأکید بر سخت‌افزار داشت که نتایج آن منجر به پیدایش تلویزیون مدار بسته (CCTV)، پخش سراسری و فیلم و ویدئو شد.

پس از اینکه پژوهشگران تعلیم و تربیت متوجه شدند هدف از تعلیم و تربیت ایجاد یادگیری در مخاطبان است و انتقال دانش یا پیام مسئله اصلی تعلیم و تربیت نیست، مخاطب در مرکز تعلیم و تربیت قرار گرفت و دید ابزاری کارکرد خود را به نسبت زیادی از دست داد. در نتیجه مباحث مربوط به روانشناسی یادگیری که نشان می‌داد یادگیری در مخاطب چگونه اتفاق می‌افتد در تمامی زمینه‌های مربوط به تعلیم و تربیت گسترش یافت.^۲

تأثیر مطالعات روانشناسی در فناوری آموزشی

دومین مرحله فناوری آموزشی یعنی آموزش انفرادی تحت تأثیر نگره رفتارگرایی در روانشناسی است. این رویکرد اعتقاد دارد یادگیری بر اساس محرک و پاسخ شکل می‌گیرد. رفتارگرایان معتقدند هنگامی که یادگیرنده در مقابل محرکی قرار بگیرد و به آن پاسخ دهد و آن پاسخ تقویت شود یادگیری اتفاق می‌افتد، در مراحل پیچیده‌تر یادگیری، وقتی یادگیرنده در مقابل محرک‌های گوناگونی قرار بگیرد، پاسخ‌های مناسب آن ارائه می‌کند. در این مجموعه موقعیت‌های پاسخ و محرک، اگر تقویت متوالی انجام شود و یادگیرنده پاسخ‌های فوری در یافت نماید، یادگیری‌های پیچیده تر حاصل می‌شود.

نتایج تحقیقات رفتارگرایان مخصوصاً اسکینر موجب استفاده از یادگیری برنامه‌ای در امر تعلیم و تربیت شد. در یادگیری برنامه‌ای موضوعی که باید آموخته شود به گام‌های کوچک تقسیم می‌شود که با نظم و ترتیب خاصی در پی یکدیگر قرار گرفته‌اند و یادگیرنده پس از جواب دادن به هر گام وارد گام‌های بعدی می‌شود. این دیدگاه منجر به ساخت دستگاه‌های آموزش برنامه‌ای و بسته‌های آموزشی به صورت مواد دیداری و شنیداری شدند که به مرور زمان یادگیری از طریق رایانه و برنامه‌های آموزش انفرادی چند رسانه‌ای هم به آن اضافه شدند. در این دوره اکثر برنامه‌های رایانه‌ای چند رسانه‌ای حالت تعاملی داشتند.

همچنین رفتارگرایی موجب پیدایش رویکردی به نام «آموزش و پرورش قابلیت‌مدار» در تعلیم و تربیت شد که در آن نتایج مطلوب یادگیری که مقاصد خاص آموزشی بودند پیشاپیش به عنوان هدف‌های رفتاری مشخص می‌شدند. همچنین در این رویکرد معیارها و ملاک‌هایی به عنوان سطح استاندارد موفقیت تعریف می‌شدند که

توسط آنها ارزشیابی انجام می‌شد.

به طور خلاصه می‌توان گفت اساس تئوریک آموزش انفرادی روانشناسی رفتارگرا و مدل آن محرک - پاسخ بود، همچنین در روش تأکید بر نرم افزار داشتند که نتایج آن منجر به یادگیری برنامه‌ای، مطالعه هدایت‌شده مواد آموزشی به شکل کتاب‌های درسی و نوشته‌ها (که به یادگیرندگان فرصت می‌دهد متناسب با روش و استعداد خودشان فعالیت کنند)، بسته‌های آموزشی، یادگیری تقلیدی و یادگیری به کمک رایانه بود.

به مرور روش‌های آموزش انفرادی با انتقادات زیادی روبرو شد، بسیاری اعتقاد داشتند اکثر روش‌های آموزش انفرادی باعث می‌شود یادگیری دانش آموزان در سطح دانش باقی بماند، همچنین این روش‌ها باعث عدم تعامل و ارتباط یادگیرندگان با یکدیگر می‌شود، در نتیجه یادگیرندگان مهارت‌های بحث و گفتگو و مهارت‌های گروهی بین شخصی را یاد نمی‌گیرند، بر همین اساس روانشناسان انسان‌گرا (که متأثر از فلسفه اگزیستانسیالیسم بودند) نظریه یادگیری گروهی را مطرح کردند. دیدگاه انسان‌گرا بر دو زمینه خود پنداره مثبت (که ریشه در نظرات ابراهام مازلو دارد) و مهارت‌های میان فردی (که از نظریات کارل راجرز اخذ شده است) تأکید بسیار دارد. این دیدگاه با تأکید بر سلامت انسان و اکتشاف معنای شخصی به جای روان‌رنجوری و پاسخ‌های مکانیکی و اکتشی در مقابل روانشناسی فرویدی و روانشناسی رفتارگرا بود. و سعی داشت یادگیرندگان را به سوی عزت‌نفس و خود پنداره مثبت رهنمون کند. دیدگاه انسان‌گرا تأکید بر یادگیری در گروه‌های کوچک و استفاده از تکنیک‌های پویایی گروهی و توسل به تعامل و تاثیرگذاری افراد بر یکدیگر دارد. این رویکرد اعتقاد دارد وقتی فراگیران از طریق بحث و گفتگو در معرض اندیشه‌های مختلف قرار گیرند به اکتشاف معنای شخصی می‌پردازند، در نتیجه وقتی یادگیری حاصل می‌شود که فراگیران از طریق بحث و گفتگو به معنای شخصی دست یابند. هنگام استفاده از روش‌های پویایی گروهی نیاز به سخت‌افزار مشخص وجود ندارد و به جای تأکید بر هرگونه سخت‌افزار و نرم‌افزار، بیشتر به روش‌ها و تکنیک‌ها توجه می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت اساس تئوری یادگیری گروهی روانشناسی انسان‌گرا و مدل آن پویایی گروه است و در روش به تکنیک‌ها یا فنون تأکید دارد که نتایج آن منجر به جلسات مهارت‌های بین شخصی، بازی‌ها و شبیه‌سازی‌ها شد.

رفتارگرایی موجب پیدایش رویکردی به نام «آموزش و پرورش قابلیت‌مدار» در تعلیم و تربیت شد که در آن نتایج مطلوب یادگیری که مقاصد خاص آموزشی بودند پیشاپیش به عنوان هدف‌های رفتاری مشخص می‌شدند. همچنین در این رویکرد معیارها و ملاک‌هایی به عنوان سطح استاندارد موفقیت تعریف می‌شدند که توسط آنها ارزشیابی انجام می‌شد.

لازم به توضیح است که به مرور زمان روانشناسان انسان‌گرا این رویکرد را به عنوان موج سوم می‌دانند که برای ایجاد آمادگی جهت انتقال به موج چهارم یعنی روانشناسی ماورای فردی یا ماورای انسانی بود اعلام کردند. این رویکرد بر شهود و استعلا تأکید داشت. روانشناسان ماورای انسانی سعی داشتند بین تفکر عقلانی و تفکر شهودی (که جایگاه اولی را نیمکره چپ و جایگاه دومی را نیمکره راست مغز می‌دانستند) توازن و تعادل برقرار کنند. آن‌ها معتقد بودند علاوه بر تفکر عقلانی باید تفکر شهودی نیز تقویت شود. در نتیجه آن‌ها استفاده گسترده تری از تخیل را در کلاس درس توصیه کردند. آن‌ها برای تفکر شهودی مراحل را بیان کردند که در آخرین مرحله آن اشراق قرار دارد و در آن مرحله فراگیران به صورت خودجوش راه حل مسایل را پیدا می‌کنند، هم چنین ویژگی دیگر این رویکرد اعتقاد به استعلا و باز و گشوده بودن نسبت به عالم هستی است. آنها معتقد بودند از طریق استعلا رابطه‌ای پویا میان فرد و کائنات برقرار می‌شود. در نتیجه آنها بر عمل درونی و هوشیاری روحانی تأکید داشتند. آنها معتقد بودند واقعیت یک کل پیوسته است در نتیجه برای درک هر موجود نیاز به درک تمام موجودات است. بدین ترتیب آنها استعلا را منبعی از همدلی و شفقت می‌دانستند، به همین دلیل معلمان در این دیدگاه موقعیت‌های کلاسی را سیال می‌دانند و قادرند بر اساس نیاز فراگیران حرکت کنند و در نظر آنان موقعیت تدریس یک موقعیت برد و باخت نیست.

در این رویکرد تفکر واگرا به عنوان جزئی از فرایند خلاقیت با هم آمیزی عقلانیت نیمکره چپ و تفکر کل گرای شهودی غیر خطی نیمکره راست تلاش در هشیار کردن فرد در باره نحوه نگاه او به جهان هستی دارد.

در حالی که دست اندر کاران سینمای ایران برای اکران فیلم های سینمایی که به انگیزه جذب مخاطب ساخته شده اند با مشکلات خاص آن درگیر هستند و سعی در آشتی دادن مخاطبان سینمای ایران با فیلم های ساخته شده یا در حال اکران را دارند، اکران فیلم هایی که در مراکز آموزشی نیز قادر به جذب دانش آموزان نیستند، چگونه در سینما قادر به جذب مخاطبان خواهند بود.

فناوری آموزشی تحت تأثیر نظریه سیستم ها

علاوه بر تقسیم بندی سه مرحله ای که پرفسور لویز التون در ارتباط با توسعه فناوری آموزشی ذکر می کند، نظریه سیستم ها یکی از نقطه نظرگاه هایی است که تا سال ها فناوری آموزشی را تحت تأثیر خود قرار داده بود. دیدگاه سیستمی ابتدا در حیطه مهندسی مطرح شد و از آن در طراحی نظام های الکترونیکی، مکانیکی، کامپیوتری، نظامی و فضایی استفاده شد، هم چنین علم سیبرنتیک^۱ یا علم فرمانش، نقش زیادی در تکمیل این نظریه ایفا کرد. دیدگاه خبر پرداز و یا پردازش اطلاعات^۲ در روانشناسی نیز توسط این نظریه پشتیبانی می شود. نظریه سیستمی در آموزش و پرورش ابتدا مبتنی بر روانشناسی رفتار گرا بود که به تدریج دیدگاه های روانشناختی شناخت گرای^۳ نیز آن را تحت تأثیر خود قرار داد. این رویکرد یک نظریه ساختاری است و فرایند آموزش را یک کل منسجم در نظر می گیرد که (در روند طراحی، اجرا و ارزشیابی تعلیم و تربیت) اجزای آن به سمت هدفی مشخص حرکت می کنند و معمولاً توسط یک نمودار جریانی و یا الگوریتم روش های دست یابی به هدف دنبال می شود، در نتیجه در این نظریه فیلم آموزشی می تواند جزئی از اجزای سیستم باشد که در تعامل با بقیه اجزا قرار دارد. در دل این رویکرد می توان نگاه ابزاری، رفتار گرا و یا نگاهی مشابه روانشناسان انسان گرا به کل فرایند تعلیم و تربیت داشت^۴.

مروری بر تاریخچه توسعه فناوری آموزشی با نگاهی به فیلم های آموزشی

با مروری هر چند مختصر با تاریخچه توسعه فناوری آموزشی در جهان آشنا شدیم، این بررسی به ما نشان داد در بستر آموزش جمعی یعنی مرحله اول توسعه فناوری آموزشی، جشنواره فیلم های آموزشی شکل گرفت. در حالی که پس از گذر از مرحله اول، نگاه ابزاری به فناوری آموزشی و به تبع آن فیلم های آموزشی کنار گذاشته شده است و مسایل مربوط به یادگیری به جای انتقال دانش یا پیام در همه زمینه های تعلیم و تربیت نفوذ کرده است. اما هنوز نگاهی که فیلم سازان، مسئولان و دست اندر کاران تولید و برنامه ریزان به این مقوله دارند امتداد نگاهی است که از مرحله اول فناوری آموزشی از گذشته های بسیار دور می آید و خروجی آن در تولیدات و سفارشات دفتر فناوری آموزشی (دفتر تأمین رسانه های آموزشی) و برگزاری جشنواره فیلم های آموزشی رشد دیده می شود.

• ... اولویت اصلی کارکرد فیلم آموزشی انتقال پیام است ...
• ... وظیفه آموزش و پرورش انتقال دانش، نگرش، و مهارت به دانش آموزان است ...

• ... تعلیم و تربیت هم به ارائه آموزش های اصولی نیاز دارد که یکی از وسایل آن تولید فیلم های آموزشی است، وی می افزاید چنانکه آموزش با فراغت بال و تفریح سالم همراه باشد، تاثیرات بیشتری خواهد داشت و بهتر قادر خواهد بود مفاهیم مورد نظر به مخاطب منتقل کند ...

• ... در واقع اساس این فیلمها پیامی است که از پیام دهنده به یادگیرنده منتقل می شود ...

• ... فیلم آموزشی فیلمی است که بتواند مضمون خودش را به مخاطب منتقل کند ...

• ... فیلم آموزشی، فیلمی است که بتواند اهداف از پیش تعیین شده را به مخاطب منتقل و در راستای ارتقای فرهنگی او گام بردارد ...

همچنین این نوع نگاه را در برگزار کنندگان قبلی جشنواره و در سالهای دورتر نیز می توان یافت.

• ... فیلم آموزشی فیلمی است که به شکلی به جنبه آموزش در آن بیش از جنبه های دیگر توجه شود. دیگر تفاوتی که وجود دارد در نوع انتقال پیام است زیرا در این نوع فیلمها معمولاً پیام به صورت مستقیم تری بیان می شود ...

• ... فیلم آموزشی فیلمی است که در درون خویش پیامی مستقر یا آشکار برای مخاطبین داشته باشد. اما در بحث فناوری آموزشی در نظام آموزش و پرورش کشور به فیلمهای آموزشی می گوئیم که با پیام علمی یا پیام تربیتی را منتقل کند ...

اشتباه دیگری که به نظر می رسد مکرراً تکرار می شود، فیلم آموزشی را مطابق با سینما دانستن یا از منظر سینما نگرستن است. سینما، تلویزیون و مخصوصاً فیلم آموزشی تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند. مسلماً تلویزیون با سینما متفاوت است، و در عین حال که شباهت هایی نیز با آن دارد، اما وقتی بحث در باره فیلم آموزشی است باید وارد بستر تعلیم و تربیت و نظریات مربوط به فناوری آموزشی شویم. فیلم آموزشی را با سینما آموزشی یکسان دانستن اشتباهی است که حتی در دوران اول فناوری آموزشی در سطح دنیا نیز انجام نشده است. یکی از مهمترین دلایل این امر عدم آشنایی برنامه ریزان، مسئولان، کارشناسان و فیلم سازان با مباحث فناوری آموزشی است. هم چنین در طی سالیان متمادی (به جای حضور طراحان آموزشی و فناوری آموزشی) بیشتر از وجود علاقه مندان و فیلم سازانی استفاده شده که به دلیل ازدیاد فارغ التحصیلان رشته های سینمایی و عدم وجود امکان فعالیت در زمینه های مورد علاقه شان به دفتر فناوری آموزشی هجوم آورده و سمت و سوی فیلمها را به سوی علایق شخصی و تفاسیر غیر علمی خود سوق دادند. نگاهی به نشریات روزانه سی و ششمین جشنواره رشد نشان می دهد گرایش به سمت و سوی سینمایی در این دوره به اوج خود می رسد.

• ... به نظر من فیلم آموزشی جاذبه خاصی دارد به عبارت دیگر سینما به عنوان یکی از رسانه های جمعی به حساب می آید که دارای پتانسیل بالایی است، هیچ مقوله ای در سینما به اکران در نمی آید مگر اینکه تأثیرش را بر مخاطب بگذارد ...

• ... بیابیم موضوع فیلم آموزشی را به عنوان یک ژانر تصویری، سینمایی و تلویزیونی ببینیم ... واقعیت این است که در ژانرهای سینمایی و تصویری طبقه بندی خاصی برای فیلم آموزشی وجود ندارد ...

در این دوره بیشتر سؤالات در باره فیلم های آموزشی و مباحث مرتبط با آن به سینما ختم می شود، تا جایی که به تدریج فیلم های آموزشی رشد به سینمای رشد تغییر پیدا می کند.

• ... به نظر شما چه مشکلاتی بر سر راه سینمای رشد قرار دارد؟
• **حسن پور:** تا دلتان بخواهد مشکلات سینمایی رشد و سینمای کودک فراوان است ...

با توجه به همین دیدگاه است که کم کم پیشنهاد اکران فیلمهای آموزشی در سینما مطرح و به عنوان یکی دیگر از گزینه های مورد نظر این دیدگاه مطرح می شود.

• ... ما باید فیلم های آموزشی را برای سانس های خاصی در سینما های کشور اکران کنیم ...

در حالی که دست اندر کاران سینمای ایران برای اکران فیلم های سینمایی که به انگیزه جذب مخاطب ساخته شده اند با مشکلات خاص آن درگیر هستند و سعی در آشتی دادن مخاطبان سینمای ایران با فیلم های ساخته شده یا در حال اکران را دارند، اکران فیلم هایی که در مراکز آموزشی نیز قادر به جذب دانش آموزان نیستند، چگونه در سینما قادر به جذب مخاطبان خواهند بود. به نظر می رسد در این حالت مسئولان کنترل سالن های سینما تنها تماشاچیان این فیلم ها خواهند بود. به جای پیشنهادهاتی که در عمل هیچگونه بازدهی و کارایی ندارد، بهتر است مسئولان و دست اندر کاران به فیلم آموزشی در بستر

این مقاله به مناسبت سی و هفتمین جشنواره رشد تهیه شده بود که چاپ آن میسر نشد، اما اکنون بعد از برگزاری جشنواره ۳۷ و در آستانه برگزاری جشنواره ۳۸ به نظر می رسد متن مقاله هنوز پا بر جاست. نگارنده هنوز به متن مقاله معتقد است و به نظر می رسد تغییری در دیدگاه های هیچ از یک از دو طرف حاصل نشده است.

۱. دیدگاه رشد گرا، رویکردی در روانشناسی است که اعتقاد دارد انسان مراحل مشخصی از رشد شناختی، شخصیتی و اخلاقی را طی می کند. رشد گرایان معتقد هستند در طی مراحل رشد این سه بعد با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و نباید توجه به یک بعد باعث حذف ابعاد دیگر شود. این دیدگاه با نظرات اندیشمندان چون ژان پیاژه، لورنس گلبرگ و اریک اریکسون پشتیبانی می شود. یکی از موارد مهمی که توسط پیاژه در ارتباط با رشد مطرح می شود مراحل تفکر عینی و تفکر انتزاعی است (و اینکه یادگیرنده در کدام مرحله از رشد و تفکر می باشد) که در بیشتر فیلم های آموزشی به دلیل عدم اطلاع فیلم سازان آموزشی و حمایت کنندگان آنها با مباحث روانشناسی مخصوصا روانشناسی یادگیری رعایت نمی شود. این گروه فیلم سازان معمولا معتقد هستند باید مخاطب آموزش داده شود تا مفاهیم مورد نظر آنها را از نظری محتوا و بصری بفهمند ولی به نظر می رسد یک کلاس آموزشی برای دست اندر کاران ساخت این گونه فیلم ها در ارتباط با مباحث روانشناسی کارگشایتر باشد و آن ها نیاز بیشتری به آموزش داشته باشند. (این مسئله در هنگام انتخاب فیلم ها و داوری جشنواره بین المللی فیلم های آموزشی رشد خود را به گونه ای دیگر نشان می دهد.)

۲. نگارنده تعریفی از فیلم آموزشی با توجه به مفاهیم یادگیری در جزوه درسی که در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ به منظور تدریس درس تولید برنامه های تلویزیونی و درس تولید فیلم های آموزشی برای رشته فناوری آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی تهیه شده است ارائه کرده ام که

اصلی آن توجه کنند.

همایش علمی چشم انداز سینمای آموزشی و تربیتی!

سرانجام گرایش به سینما در مورد فیلم آموزشی منجر به برگزاری همایشی در تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۱۳۸۶ تحت عنوان "همایش علمی چشم انداز سینمای آموزشی و تربیتی" شد. در این همایش که به قصد به دست آوردن تعریفی از فیلم آموزشی و مسایل مرتبط با سینمای آموزشی تشکیل شده بود همان گونه که انتظار می رفت با توجه به شرکت کنندگان و مباحث پیش بینی شده در آن هیچ گونه تعریفی از فیلم آموزشی به دست نیامد و بحث ها نیز ارتباط چندانی با فیلم آموزشی نداشتند. به هر حال به نظر می رسد فیلم آموزشی را به زور و توجه به سینما چسباندن، نتیجه مناسبی برای هیچ یک از دو طرف ماجرا نداشته باشد. تاریخچه توسعه این دو رسانه تفاوت های آنها را نشان می دهد. هر چند که مدیر جشنواره اعتقاد دارند نگاه به جشنواره نسبت به سال های گذشته تغییر کرده است.

• ... نگاه متفاوتی که گفتید، دقیقا در چه بخش هایی اعمال خواهد شد؟

• (احمد جولایی): بحث تعامل با سازمان های دیگر، تأکید بر نظم و انضباط و نگاه داوران در مرحله اول (بازبینی) حتما با این نگاه جدید اعمال شده است. ضمن اینکه نگرش جدید و متفاوتی کاملا از هدف های سازمان وزارت متبوع است که نگاه آنها به رسانه عوض شده است. به عنوان مثال ما امسال با معاونت سینمایی وزارت ارشاد به مراتب بیشتر از سال پیش تعامل داشته ایم ...

ظاهر این نگاه جدید و متفاوت به جشنواره تعامل هر چه بیشتر با معاونت سینمایی وزارت ارشاد بوده است!

نقطه روشن جشنواره فیلم های آموزشی رشد

اما نقطه روشن جشنواره در صورتی که به درستی برنامه ریزی، برگزار و مورد ارزشیابی قرار گیرد، بخش دانش آموزان فیلم ساز است. بخشی که چند سالی است به جشنواره اضافه شده است و ساخته های دانش آموزان فیلم ساز در آن



مبنای این تعریف یک ساختار کلی بوده تا مخاطب قادر باشد تعریفی که از اجزا و عناصر این ساختار ارائه می شود را طبقه بندی کرده و بتواند جای آن را در تعریف بیابد در نتیجه زودتر به یادگیری مورد نظر (در ارتباط با مباحث درسی) نزدیک شود. چون نگارنده تا حدودی اعتقاد دارد فیلم یک عنصر یا شیء مشخص (مثل دایره یا لیوان) که قابل تعریف باشد نیست و پیچیدگی آن اجازه نمی دهد تا آن را با یک تعریف کاهش گرا، تقلیل دهیم. با توجه به مواردی که اشاره شد این تعریف عبارت است از: فیلم آموزشی یک سری تصاویر متحرک همراه با صدا است که بر اساس هدف یا اهدافی مشخص در زمانی معین

شرکت و مورد بررسی قرار می گیرد. هر چند تولید فیلم توسط دانش آموزان مستقیما در حیطه تولید فیلم های آموزشی که ارزیابی و توسعه آن از اهداف جشنواره رشد می باشد، نیست! اما تشویق و سیاست گذاری جهت تولید فیلم توسط دانش آموزان فعالیتی ارزشمند است، به دلیل اینکه ساخت فیلم توسط یادگیرنده فعالیتی است که توسط خود او انجام می شود و تجارب یادگیری که از طریق ساخت فیلم برای دانش آموزان به دست می آید دارای نتایج متعدد یادگیری است. ساخت فیلم توسط دانش آموزان، می تواند سبب تقویت قدرت تحلیل، انعطاف پذیری، توسعه تفکر انتقادی، حل مسئله، توسعه تفکر پژوهشی، فرضیه سازی، کار در گروه و توسعه مهارت های میان فردی بین آن ها شود که از مهمترین اهداف آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش است.

نژاد، نویسنده، منتقد و فیلم ساز در باره سینمای آموزشی نقل شده است.

منابع:

- جان ای. کلاور، راجر اچ. برونینگ (۱۳۷۵). روانشناسی تربیتی (اصول و کاربرد)، ترجمه: کمال خرازی - مرکز نشر دانشگاهی.
- بی. آر. هرگنهان، متیو. اچ. السون (۱۳۷۷). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه: علی اکبر سیف، نشر دوران.
- جی. پی. میلر (۱۳۷۹). نظریه های برنامه درسی، ترجمه: محمود مهر محمدی، انتشارات سمت.
- احدیان، محمد، عمران رضانی، داود محمدی (۱۳۷۹). مقدمات فناوری آموزشی، انتشارات آبیژ.
- ای. جی. زمی زفسکی (۱۳۷۹). طراحی نظام های آموزشی، ترجمه هاشم فردان، انتشارات سمت.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه.
- آهنچیان، محمد رضا (۱۳۸۲). آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن، انتشارات طهوری.
- صیغی، احسان (۱۳۸۳). تأثیر فیلم آموزش مفاهیم علوم ابتدایی سال پنجم بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال پنجم، پژوهش.
- صیغی، احسان (۱۳۸۴). تولید فیلم و برنامه های تلویزیونی، جزوه درسی، دانشکده تربیت معلم دانشگاه آزاد.

پاورقی:

۱. نوید رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش و پرورش (نشریه روزانه جشنواره - شماره اول - ۸ آبان ۱۳۸۵)
۲. حمید رضا کفایش معاونت فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزشی در ارتباط با سینمای آموزشی - همایش چشم انداز سینمای آموزشی تربیتی - خبرگزاری جمهوری اسلامی - چهارشنبه ۲ آبان (http://www.irna.com)
۳. احمد جولایی مدیرکل دفتر تأمین رسانه های آموزشی و دبیر جشنواره رشد - سایت جشنواره رشد - اخبار مرتبط با سی و هفتمین جشنواره رشد - یکشنبه ۶ آبان (http://restival.roshd.ir)
۴. سید امیر هاشمی مدیر اجرایی جشنواره سی و ششم و معاون جشنواره رشد - نشریه روزانه جشنواره ۳۶ - شماره ۲ آبان ۱۳۸۵
۵. امیر حسین ندایی عضو کمیته انتخاب سی و ششمین جشنواره رشد - نشریه روزانه جشنواره ۳۶ - شماره ۲ آبان ۱۳۸۵
۶. مجید سرسنگی استاد دانشگاه - گفتگو با ستاد خبری جشنواره - اخبار مرتبط با جشنواره ۳۷ - یکشنبه ۶ آبان (http://festival.roshd.ir)
۷. رحمت الله محرابی - مدیرکل دفتر فناوری آموزشی (سابق) - مصاحبه با روزنامه کار و کارگر در باره جشنواره بین المللی رشد دوره ۲۶ - ۱۳۷۵ (بیست و ششمین جشنواره بین المللی رشد در آینه مطبوعات. دفتر فناوری آموزشی. ۱۳۷۵)



۶. با آمدن فناوری های نوین آموزشی شکل های متفاوتی از ارتباط و رابطه تجربه می شود. به همین دلیل مباحث مربوط به یادگیری نیز تحت تأثیر آن قرار گرفته اند. امروزه با آمدن اینترنت و شبکه های ارتباطی روابط درون و برون کلاسی، دچار تغییرات زیادی شده است و بر اساس آن ارایه محتوا نیز شکل های گوناگونی به خود می گیرد. اینترنت بزرگ راه های اطلاعاتی را از دسترس مراکز دانشگاهی و سازمان های بزرگ پژوهشی خارج و آن را در اختیار همگان و مراکز کوچک تر علمی مثل کافی نت ها قرار داده است و مباحثی چون تعیین اهداف از پیش تعیین شده روز به روز مشکل تر به نظر می رسد. در این حالت مخاطبان در بسیاری از موارد بر اساس نیازهایشان هدف ها را در لحظه تعیین می کنند، در این میان نقش فیلم های آموزشی که به صورت سنتی ارایه می شد به مرور کم رنگ تر می شود و به شکلی متفاوت تر این فیلم ها در دل برنامه های اینترنتی قرار گرفته اند و به گونه ای تعاملی تر در نرم افزارهای چند رسانه ای مورد استفاده قرار می گیرند.

تجارب یادگیری که از طریق ساخت فیلم برای دانش آموزان به دست می آید دارای نتایج متعدد یادگیری است. ساخت فیلم توسط دانش آموزان، می تواند سبب تقویت قدرت تحلیل، انعطاف پذیری، توسعه تفکر انتقادی، حل مسئله، توسعه تفکر پژوهشی، فرضیه سازی، کار در گروه و توسعه مهارت های میان فردی بین آن ها شود که از مهمترین اهداف آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش است.

۷. برای آشنایی با نقطه نظرات شرکت کنندگان در این سمینار می توانید به سایت های زیر مراجعه کنید:

خبرگزاری جمهوری اسلامی، <http://www.iran.com>

خبرگزاری ایسکا نیوز، <http://www.iscanews.ir>

باشگاه خبرنگاران، <http://www.yjc.ir>

در این سایت ها خلاصه ای از نظرات خانم ها: تهیمینه میلانی، کارگردان، پوران درخشنده، کارگردان و آقایان: مهندس نوید، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، آموزش و پرورش، حمید رضا کفایش، معاون سازمان پژوهش و برنامه ریزی، دکتر جولایی، مدیرکل دفتر تأمین رسانه های آموزشی، دکتر مختاباد، معاون پژوهشی دانشکده هنر، حمید رضا شرف الدین، رئیس انجمن سینمای دفاع مقدس، احمد طالبی



برای مخاطب نمایش داده می شود که منجر به یادگیری یا ساخت دانش در مخاطب می شود. اصطلاح ساخت دانش برگرفته از نقطه نظرگاه ساختن گرایی یا سازندگی در روانشناسی تربیتی است - که آن را تحت تأثیر دیدگاه پست مدرنیته می دانند.

۳. سبیرنتیک یا علم فرمانش انسان ها را شبیه مکانیسم های فرمان یار می داند. مکانیسم های فرمان یار اطلاعات حاصل از محیط را با اطلاعات مرجع مقایسه می کنند و اگر اختلافی موجود بود خود را تصحیح می کنند، مانند سیستم ترموستات.

۴. این دیدگاه معتقد است دانش آموزان پردازش گران فعال اطلاعات هستند و دانش قبلی دانش آموزان بر همه فرایندهای شناختی تأثیرگذار است و یادگیری زمانی رخ می دهد که اطلاعات جدید برای دانش آموزان با معنا باشد. هم چنین این دیدگاه اعتقاد دارد نحوه یادگیری دانش آموزان با یکدیگر متفاوت است.

۵. روانشناسی شناخت گرایی، دیدگاهی است که به نظر می رسد مشترکات زیادی با روانشناسی انسان گرا دارد، برخلاف رفتارگرایان که یادگیری را بر اساس محرک و پاسخ توجیه می کردند، شناخت گرایان بر فرآیندهای ذهنی تأکید دارند و یادگیری را تغییر در ساخت شناختی فرد می دانند (دیدگاه خبر پردازشی یا پردازش اطلاعات یکی از نظریات جدید تر در روانشناسی شناختی است).